

نظر دستوری جدیدی درباره‌ی عبارت فارسی باستان «چه در شب و چه در روز» از کتیبه‌ی بیستون*

دیوید تستن

ترجمه‌ی فیروزه قندهاری

دانشگاه تهران

این کار ترجمه‌ای است از مقاله‌ی دیوید تستن که حاصل بحث‌هایی است که در سمینار زمستان ۱۹۹۲ در دانشگاه شیکاگو برگزار شد و موضوع آن چهار برگردان از کتیبه‌ی بیستون بود.

در این مقاله، تستن بحث دستوری جدیدی را درباره‌ی واژه‌های xšap و ranca در عبارت $\langle x\text{-}\check{s}\text{-}p\text{-}v^{(a)}\text{-}a\text{-}r\text{-}a\text{-}r\text{-}(a\text{-})\text{-}u\text{-}c\text{-}p\text{-}t^{(ai)}\text{-}i\text{-}v\text{-}a \rangle$ که در خط بیستم ستون اول کتیبه بیستون آمده مطرح می‌کند. او با مقایسه موارد مشابهی در زبان‌های اوستا و سانسکریت نظر دستوری جدیدی متفاوت با آنچه کنت و سایر صاحب‌نظران مطرح کرده بودند ارائه می‌دهد.

مفهوم کلی عبارت $\langle x\text{-}\check{s}\text{-}p\text{-}v^{(a)}\text{-}a\text{-}r\text{-}a^{(1)}\text{-}r\text{-}(a\text{-})\text{-}u\text{-}c\text{-}p\text{-}t^{(ai)}\text{-}i\text{-}v\text{-}(a)\text{-}a \rangle$ که در سطر بیستم ستون اول کتیبه‌ی بیستون داریوش اول آمده، کاملاً روشن است: (۲)

17. /... θāti Dārayava

18. uš xšāyaθiya imā dahyāva tayā manā patiyāiša vašnā Au

19. ramazdāha manā bandakā āhantā manā bājim abarantā tayašām hacāma

20. aθahya <x-š-p-v^(a)-a r^(ai)-u-c-p-t^(a-i)-i-v^(a)-a>ava

akunavayantā.../

داریوش شاه گوید: اینها کشورهای [هستند] که به تصرف من درآمدند، به خواست اهورا مزدا آنها بندگان من بودند که به من باج می‌دادند، آنچه از من به آنها گفته شد. چه در شب و چه در روز آن انجام می‌شد.

با وجود آنکه معنی عبارت بالا قابل درک است، جزئیاتی در ساختار دستوری آن هست که بحث دقیق‌تری را می‌طلبد. پایانه‌های <v^(a)-a... v^(a)-a...> به روشنی حرف ربط همپایه ساز /vā...-vā/ چه... چه را نشان می‌دهد و جزء <i-v^(a-i)-t-p> فقط می‌تواند ادات /pati/ باشد (وقتی با جزء پیوندی همراه نشود به صورت <i-y-t^(a-i)-p> نوشته می‌شود. ارزش واژگانی صورت‌های تشکیل دهنده عبارت قطعاً ستاک‌های /xšap/ «شب» و /raucah/ «روز» است که هر دو به روشنی با سایر زبان‌های هند و ایرانی و روایت بابلی بیستون lu mu šu lu un mu (وگت‌لندر^۱ ۱۹۷۸: ۱۳۰ص) قیاس‌پذیر است.

اشمیت^۲ (۱۹۹۱: ص ۵۰) نیز به متن مشابهی از هرودت (۵/۲۳) اشاره می‌کند که در آن مگابازوس^۳ به داریوش هشدار می‌دهد که والی‌اش هیستیاوس^۴ رقیب بالقوه‌ی او است:

οἱ πρὸς τὰ τε περὶ ἰλιβόψε νοῖν οἱ ἡσωνοὶ τὸν τοῦ ἀν κείνου ἐστὶν ἡγχα
καὶ ἡμέρης καὶ vuktós

مطلب حایز اهمیت در سطر بیستم کتیبه‌ی اول بیستون به ارزش‌های واژگانی این دو واژه مربوط نیست، بلکه در رابطه با جنبه‌ی صرف و ساختار نحوی آنها است. تجزیه‌ی واژه‌ی <u-c-r^(a-i)> ظاهراً موردی ندارد:

<u-c-r^(a-i)> که /rauca/ خوانده می‌شود؛ اسم، مفرد، خنثی در حالت مفعول صریح^۵ از ستاک مختوم به s- است و اوستایی آن raočō و در سنسکریت rocas است. همچنین /pati/ که /Rauca-Pati/ اداتی است که با حالت مفعول صریح همراه است و مشابه آن در سطرهای ۶۱ و ۶۲ کتیبه‌ی دوم بیستون نیز موجود است.

1. Elizabeth Voigtlander

2. Schmitt

3. Megabazus

4. Histiaeus

5. accusative

/θūravāharahya māhyā jiyamnam Paiti/

در ماه سور و اهتر (اردیبهشت) در روز آخر؛

اما <x-š-p-> که در عبارت مورد نظر، قبل از واژه‌ی فوق آمده خلاف انتظار است؛ زیرا چنانچه <x-š-p-> را مشابه <r^(a-i)-u-c-> بدانیم، این واژه نیز می‌بایست در حالت مفعول صریح باشد، یعنی ریشه-اسم xšap- (اوستایی xšap-، سنسکریت kšap-) که در حالت مفعول صریح xšapam است و املای <-p-m^(a)-x-š-> را برای آن می‌توان متصور شد.

اساساً ظاهر نشدن پایانه‌ی حرفی مفعول صریح /-am/ در شیوه‌ی نوشتاری فارسی باستان که در پایانه هجای غنه را نمی‌آورد پذیرفتنی است. مانند املای نام سلطنتی <-y-i-j-u-b^(a)-k> به جای /kambujiya/ (= بابلی kam-bu-zi-iá و یونانی <-s-on kavβv>) و فارسی باستان <-i-r^(a-i)-b-a> به جای سوم شخص جمع /abaran/ «آنها آوردند»^(۳) و غیره. ضمن آنکه واژه‌های مختوم به -m مانند <-m^(a)-d^(a)-a> /adam/ «من» <-v^(a)-y-i-š-a-m^(a)> = ašiyavam «رفتم» و غیره، به طور عادی در خط وجود دارند، حتی اگر با جزء پیوندی همراه باشند، مانند <-a-c-a-m^(a)-i-θ-> /gaθiāmca= <-m^(a)-i-š-i-m^(a)-d^(a)-a> «و دارایی» (مفرد، مفعولی صریح) <-m^(a)-i-š-i-m^(a)-d^(a)-a> = /adam-šim/ «من... آن را».^(۴)

از جمع‌بندی مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که <x-š-p-> نمی‌تواند برای /xšapam/ *آمده باشد. (گایگر^۱ و کوهن^۲ ۱۸۹۵-۱۹۰۱: ص ۱۷۲۴) در *The Grundriss der iranischen philologie* ترجیح داده‌اند <x-š-p-> را با وجود نبودن نشانه‌ی مصوت بلند پایانی در متن، مفعول بایی^۳ بگیرند. اما میه^۴ (۱۹۳۱: ص ۶۲ و ۹۹)، کنت^۵ (۱۹۵۳: ص ۱۰۰ و ۱۸۱)، برندنشتاین^۶ و مایرهوفر^۷ (۱۹۶۴: ص ۱۲۶) و هینز^۸ (۱۹۷۳: ص ۱۳۹) <-u-c-> r^(a-i) را /rauca/ در حالت مفعول صریح خوانده‌اند و <x-š-p-> را

1. Geiger

4. Meillet

7. Mayrhofer

2. Kuhn

5. Kent

8. Hinz

3. instrumental

6. Brandenstein

< *xšap-ah / xšapa / > در حالت اضافی^۱ برداشت کرده‌اند. در واقع، کنت (۱۹۵۳: ص ۱۰۰) حضور xšapa را در عبارت /xšapa-vā rauca- pati- vā/ در حالت اضافی تحت تأثیر قافیه‌ی پایانه‌ی حرفی /-a/ در واژه‌ی /rauca/ تفسیر می‌کند.

تحلیل‌هایی از این نوع مدعای این مطلب است که < x-š-p > اسم ریشه‌ی ستاک *xšap- است. چون ریشه‌ی ستاک *xšap در هند و ایرانی آغازین وجود داشته، نشانه‌ی از آن در واژه‌ی «شب» فارسی باستان، به صورت اسم بی‌قاعده‌ی^۲ خنثی مختوم به -n / * -r / آمده است. بنونیست^۳ (۱۹۳۵: ص ۱۳) با این نتیجه‌گیری، وجود چنین ستاکی را در ایرانی آغازین برپایه‌ی جفت اوستایی -xsapar (خنثی) و -xšapan (مؤنث، خنثی) می‌داند.

اوستایی -xšapar خنثی و xšapan و -xšafn «شب» همتای واژه‌ی azan «روز» از xasp-, kšap- هند و ایرانی که مؤنث بوده و با گستره‌ی ستاک ثانوی جنسش را به -xšapan یا xsapar داده است که خنثی است. این دو صورت که به -ar و -an ختم می‌شوند، در واقع یکی بیش‌تر نیستند.^(۵)

پس چنین محتمل است که بنابر الگوی -azan / * -azar «روز» (سنسکریت ahar/ahan) ایرانی آغازین واژه‌ی برای شب ساخته است که به آن دسته از اسامی خنثی تعلق دارد که در حالت فاعلی/مفعولی (مستقیم) به -r * و در حالات غیرمستقیم^۴ به -n * ختم می‌شوند. چون اغلب حالات غیرمستقیم چنین اسمی باید از ستاک ضعیف (حالت اضافی *xšaf-n-ah) مفعول غیر صریح^۵ *xšaf-n-ai (غیره) آمده باشد. پس حالت مفعول دری^۶ مفرد نیز باید به شکل *xšap-an-i (یا *xšaf-n-i) یا بدون پایانه‌ی صرفی مفعول دری *xšap-an (با -an پایانی) (هند و اروپایی -en) از ستاک قوی مختوم به -e) باشد. همان‌طور که سنسکریت نمونه‌هایی از اسم‌های بی‌قاعده مختوم به -n / * -r / * با درجه‌ی قوی پایانه‌ی صرفی (-an) * برای حالت مفعول دری ارائه می‌دهد، بنونیست نیز به واژه‌های ahan «از روز» و udan «در آب» اشاره می‌کند، دال بر اینکه پایانه‌ی صرفی -an * برای مفعول دری در زبان‌های ایرانی نیز مصداق دارد. شاهد این

1. genitive
4. oblique

2. heteroclit
5. dative

3. Benveniste
6. locative

مدعا نمونه‌ی اوستایی است که رایشلت^۱ (۱۹۷۸: ص ۱۶۹) در گات‌های اوستا معرفی می‌کند: مصدر rōiθuuəṇ مخلوط کردن، پر کردن (یسن: ۷، ۳۱) و čašmōng در عبارت cašmōng θuuisrā، «با چشم درخشان» (یسن: ۱۳۱، ۳۱)^(۶) و در فارسی باستان واژه‌ی xašap-n, *xšap-r می‌بایست به صورت xšapan بیاید، ولی – بنابر سنت نوشتاری فارسی باستان که /n/ هجای پایانی در خط ظاهر نمی‌شود – این اسم نیز به شکل <x-š-p- > آمده است.^(۷) پس کاملاً محتمل است که واژه‌ی <x-š-p- > در سطر بیستم کتیبه‌ی اول بیستون، /xšapan/ در حالت مفعول دری باشد؛ زیرا در این صورت، نیازی نخواهد بود که واژه‌ی فوق را /xšapam/ مفعول صریح فرض کنیم با حذف خلاف قاعده‌ی نشانه‌ی <m^(a)- >، یا /xšapa/ را حالت اضافی بدانیم در کنار واژه‌ی با حالت مفعول صریح که کاربردی نامناسب است. اگر چنین تحلیلی از واژه‌ی <x-š-p- > درست باشد، اسم <r^(a-i)-u-c- > که در کنار <x-š-p- > آمده است نیز می‌تواند در حالت مفعول دری بدون پایانه‌ی صرفی باشد؛ زیرا اسم با ستاک مختوم به -s، مانند *raocah، بدون پایانه‌ی صرفی در حالت مفعول دری، با اسم در حالت فاعلی/مفعولی هند و ایرانی مشابه است (مانند فارسی باستان /rauca/ >هند و/ ایرانی *raucas > هند و اروپایی *leuk-es که حالت مفعول دری مفرد است از هند و اروپایی *leuk-os). رایشلت (۱۹۷۸: صص ۱۸۶-۱۸۷) نیز به نمونه‌هایی از ساخت مفعول دری بدون پایانه‌ی صرفی با ستاک‌های مختوم به -s در اوستا اشاره دارد، مانند annō «کمک» (مصدر) manō «مینوی» (صفت) vačō گویا (صفت).

بنابراین، از دیدگاه صرفی، عبارت <x-š-p-v^(a)-a.r^(a-i)-u-c-p-t^(a-i)-i-v^(a) a > بنابر سنت کتیبه‌ی اول بیستون را می‌توان چنین تفسیر کرد. - /ašapan-vā/ یکی pati-vā جفت اسم پیوندی در حالت مفعول دری است که با حرف اضافی مؤخر /pati/ ^(۸) همراه شده است. اوستا نمونه‌ی خوبی از کاربرد مفعول دری به همراه pati را ارائه می‌دهد که با عبارت سطر بیستم کتیبه‌ی اول بیستون کاملاً مشابه است: paiti asni

paiti xšafne «در نزدیکی شب»، (یشت ۹، ۱؛ ۶، ۱؛ ۷، ۳؛ ۴۵، ۴). البته این عبارت از دو جهت با عبارت فارسی باستان مورد نظر ما فرق دارد: یکی، در کاربرد اسم -azan «روز» به جای -raoch (همان‌طور که دیدیم، بنویست از آن به عنوان منشأ صرف بی‌قاعده‌ی *xšap-r و *xšafn-/*xšap-an یاد کرده است) و دوم، در نشان دادن صورت مفعول دری -xšapan که بر اساس دستگاه صرف تماتیک (dar) بازسازی شده است. در سایر موارد، عبارت اوستایی به وضوح با سطر بیستم کتیبه‌ی اول بیستون مشابه است و این مطلب را می‌رساند که احتمالاً یک هم‌نشینی کلیشه‌ی^۱ در زبان‌های ایرانی آغازین برای واژه‌های مربوط به «شب» و «روز» به همراه جزء حرف اضافی *pati وجود داشته است. اگر کلیشه‌ی از این نوع در زبان‌های ایرانی آغازین وجود داشته باشد، بعید نیست که انعکاس آن را نه تنها در فارسی باستان بلکه در صرف، در سطحی باستانی‌تر نیز بیابیم، مانند صورت‌های مفعول دری بدون پایانه‌ی صرفی /xšapan/ و /rauča/، آن‌طور که زبان در جاهای دیگر نشان می‌دهد.

بی‌نوشت‌ها

* این مقاله ترجمه‌ی است از:

Testen, David. 1997. «Old Persian <x-š-p-v^(a) -a r-(a-i) u-c-p-t-(a-i) i-v-(a) a> 'by night or bay day'», *Iranica Antiqua* XXXII, pp. 145-150.

این مقاله نتیجه‌ی بحث‌هایی است که در زمستان ۱۹۹۲م، در سمینار دانشگاه شیگاگو درباره‌ی چهار روایت کتیبه‌ی بیستون انجام شد. این سمینار توسط جین گِرَگ (Gene Gragg)، ماتیو استاپلر (Mathew Stopler) و مایکل وایز (Michael Wise) ترتیب داده شده بود. از تستا باگچی (Testa Baghchi) نیز به خاطر نظریات و پیشنهاداتش متشکرم.

۱. شکل دقیق‌تر آن <x-š-p-v^(a) -a> است. در کتیبه در برابر شکافی در سنگ فضایی موجود است که اشمیت (۱۲/۱۳-۱۹۹۰) نیز به آن اشاره دارد، ولی احتمال بازسازی نشانه‌ی دیگری در این نقطه نیست.

۲. قطعات کتیبه‌ی بیستون به همان‌گونه که اشمیت (۱۹۹۱) آورده نقل شده است.
۳. در املا‌ی فارسی باستان نبود هجای مختوم به $-m$ محدود است به وضعیت درونی واژه که قبل از آن یک همخوان انسدادی آمده باشد یا نه، مانند نام سلطنتی $\langle k^{(a)}-b-u-j-i-y \rangle = /kambujija-/$ و نام جغرافیایی مادی $\langle k^{(a)}-p-d-(a) \rangle = /kampanda-/$ = بابلی $ha-am-ba-nu$ و عیلامی $pan-tas-ga-um-$. اما هجای مختوم به $-m$ در هر جای دیگر که باشد به شکل $\langle m^{(a)} \rangle$ نمایان است، مانند $\langle j-y-m^{(a)}-n^{(a)}-m^{(a)} \rangle = /jiyamnam-$ (مفرد، مفعول صریح) $\langle i-b-i-š \rangle = /n^{(a-i)}$ $\langle m^{(a)} \rangle$ «کم» (جمع. مفعول بایی).
۴. کنت (۱۹۵۳: ص ۲۲) ضمناً اشاره دارد به $\langle -m^{(a)} \rangle$ پایانی که در موارد ذیل حذف شده‌اند: ۸۹ و ۱۳; DB ۴; AsHa, ۱۳; A^۲sa^۲; A^۲Ha^۵; A^۲sb: A^۲sa^۲; xph; ۴۶ به جز $\langle t^{(ai)}-y-a \rangle$ در سطر ۸۹ کتیبه‌ی بیستون چهار، که کنت آن را به صورت $/i(ya)m dipimay *tyām adam akunavam/$ خوانده است، تمام این قطعات از مجموعه‌ی فارسی باستان دوره‌ی جدیدتری است. اما اشمیت (۱۹۹۱: ص ۷۳) سطر ۸۹ کتیبه‌ی بیستون چهار را به صورت زیر خوانده است: $/ima dipicicam taya adam akunavam/$ به جای $/i(ya)m dipimay/$ با مرجع خشتی $/dipicicam/$ و صورت «نوشتاری» برای $/taya/$. بنابراین، حضور $\langle t-y \rangle$ در این قطعه درست است و اصلاح آن به $/tyām/$ ضرورتی ندارد.
۵. از استاد بزرگوام سرکار خانم دکتر بدرالزمان قریب سپاسگزارم که قطعه‌ی فوق را که به زبان فرانسه بود ترجمه کردند و ترجمه‌ی متن را نیز بازبینی نمودند.
۶. ظاهراً مفعول دری است، ولی در اینجا برای مفعول بایی به کار رفته است (بارتلمه، ۱۸۹۹).
۷. برای نمونه‌هایی از مفعول دری بدون پایانه‌ی صرفی در فارسی باستان، نگاه کنید به اشمیت (۱۹۸۹: ص ۷۲) که صورت‌هایی مانند $\langle -v^{(a)}-(a-i)-u-r-b-a \rangle = /bābirau/$ «در بابل» و با ادات پیوندی $/-ā-$ در $\langle -a-v^{(a)}-θ-g^{(a)} \rangle = /gāθ-av-ā/$ «در جایش» $\langle -a-v^{(a)}-u-y-d^{(a)} \rangle = /dahyauv-ā/$ «در سرزمین» را نمونه آورده است.
۸. هر چند چنین احتمالی ظاهراً پیش از این مطرح نشده است، می‌توان فرض کرد که $/pati/$ در اینجا برای همراهی $/rauca/$ آمده است و $/vā...vā/$ به جای دو اسم، یک اسم غیرمستقیم $/-p-š-x/$ را به عبارت الحاقی $/rauca-pāti/$ مربوط کرده است که در این صورت $\langle -p-š-x \rangle$ را می‌توان هم مفعول دری بدون پایانه‌ی صرفی $/xšapan/$ گرفت و هم حالت اضافی $/xšapa/$ که در هر حالت کاربرد آن در اینجا قیدی است.

کتابنامه

Bartholomae, Christian. 1899. «Arica XI.», *Indogermanische Forschungen* 10: 1-20.

_____. 1961. *Altiranisches Wörterbuch* (2. unveränderte Auflage, Berlin: Walter de

- Gruyter & Co.
- Benveniste, Emile. 1935. *Origines de la formation des noms en indo-européen*. Paris: Librairie Adrien-Maisonneuve.
- Brandenstein, Wilhelm und Manfred Mayrhofer. 1964. *Handbuch des Altpersischen*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- Geiger, Wilhelm and Ernst Kuhn. 1895-1901. *Grundriss der iranischen Philologie*. Strassburg: Verlag von Karl J. Trübner.
- Hinz, Walther. 1973. *Neue Wege im Altpersischen*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- Kent, Roland G. 1953. *Old Persian: Grammar. Texts. Lexicon* (Second edition, revised) (*American Oriental Series 33*). New Haven: American Oriental Society.
- Meillet, Antoine. 1931. *Grammaire du vieux-perse*. Paris: Librairie Ancienne Honoré Champion, Éditeur.
- Reichert, Hans. 1968. *Avesta Reader. Texts, Notes, Glossary and Index*. Berlin: Walter de Gruyter & Co.
- Schmitt, Rüdiger. 1989. «Altpersisch.» in Rüdiger Schmitt, ed. . *Compendium Linguarum Iranicarum*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag. pp. 56-85.
- _____. 1990. *Epigraphische-epigraphische Neteron Dneios Bisutünnschriften*. Vienna: Verlag der österreichischen Akademie der Wissenschaften.
- _____. 1991. *The Bisitun Inscription of Darius the Great: Old Persian Text (Corpus Inscriptionum Iranicarum 1/1)*. London: School of Oriental and African Studies.
- von Voigtlander, Elizabeth N. 1978. *The Bisitun Inscription of Darius the Great: Babylonian Version (Corpus Inscriptionum Iranicarum 1/2)*. London: Lund Humphries.